یادداشت

امنیت اقتصادی، مطالبه خصوصی‌ها

محسن بهرامی
ارض‌اقدس

● در هشت سال گذشته با وجود شعارهایی که برای توسعه بخش خصوصی داده شد، اما وعده‌هایی که در دوره‌های مختلف داده شد، محقق نشد و اکنون انبوهی از مطالبات به دولت جدید رسیده است.

در کنار این حجم خواسته‌های ازپیش‌مانده، عملکرد و تصمیم‌های دولت در این هشت سال، وضعیت نامساعدی را برای اقتصاد و بخش تولید ایجاد کرده که آن نیز نیاز به بازسازی و اصلاح دارد. دولت جدید در گام نخست باید ناامنی اقتصادی موجود را تبدیل به امنیت کرده تا خصوصی‌سازی تقویت شده و سرمایه‌هایی که جسارت و ریسک ورود به عرصه اقتصاد را نداشتند، به چرخه تولید و فعالیت بازگردند.

در هشت سال گذشته به تناسب قانون‌هایی که یا اعمال نمی‌شد یا به‌صورت سلیقه‌ای به اجرا درمی‌آمد، بخش خصوصی فضای نفس کشیدن نداشته است و دولت با دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم، قانونی و غیرقانونی در مسایل اقتصادی، تصمیمات خلق‌الساعه، کاهش ارزش پول ملی، جهش ناگهانی قیمت ارز، تصمیمات برای ممنوعیت صادرات و قیمت‌گذاری محصولات غیراساسی که خلاف قانون بوده، قدرت برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی را از بخش خصوصی گرفت و آن را تا سرحد امکان تضعیف کرد. در این دوره صادرکنندگان به دلیل عدم ثبات در تصمیم‌ها درخصوص صادرات و واردات بلاتکلیف بودند و در شرایطی اقدام به صادرات می‌کردند که اطمینانی از دریافت پولشان و برداشت از بانک‌ها نداشتند.

دولت جدید با نشان کلید، وعده بازشدن قفل‌ها و صحبت از بهبود شرایط اقتصادی و رونق فعالیت‌های این بخش را داده است.

این دولت در گام نخست باید به اصلاح روابط بین‌المللی اقدام کند و با تنش‌زدایی از روابط خارجی، جذب سرمایه را تسهیل کند.

سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور و به دنبال آن سرمایه‌گذاران بین‌المللی با اطمینان از یک محیط ایمن و مطمئن، برای سرمایه‌گذاری راه به ایران باز خواهند کرد.

تحقق این موضوع و گسترش روابط، موجب انتقال دانش و تکنولوژی شده و بخش خصوصی امکان روزآمدشدن، توسعه و ایجاد ظرفیت‌های جدید برای اشتغال را خواهد داشت.

با توجه به آنکه یکی از اولویت‌های این دولت اشتغال اعلام شده و به دلیل آنکه در سال‌های گذشته و به خصوص در دولت‌های نهم و دهم در این بخش بسیار ضعیف عمل شده و وعده‌های اشتغال‌زایی با وجود قانون و تاکید برنامه توسعه اقتصادی و سیاسی بر آن، محقق نشده است، دولت باید با آسان‌سازی در پرداخت تسهیلات برای راه‌اندازی واحدهایی که رو به تعطیلی هستند یا به دلیل کمبود نقدینگی منفعل شدند، اقدام به احیای آنها کند.

تسهیل نقل‌وانتقال پول و روابط بانکی، ساماندهی بازار پول و سرمایه، استقرار نظم و قانون و قانونگرایی به جای قانون‌گریزی که در این سال‌ها نهادینه شده و به اوج خود رسیده است، از دیگر درخواست‌های بخش خصوصی است که اجرای آنها و تحقق برای بخش خصوصی در اولویت قرار دارد.

یکی از آسیب‌هایی که اقتصاد کشور و به دنبال آن بخش خصوصی در دولت‌های نهم و دهم متحمل شد، کنار گذاشته‌شدن مدیرانی بود که دارای تجربه و تخصص لازم بودند.

بازگشت این گروه می‌تواند خون تازه‌ای برای تحرک بخش خصوصی باشد و سرعت حرکت با استفاده از علم و تجربه آنها را بیشتر کند.

اولویت اقتصادی دولت آینده به راستی باید اطمینان‌بخشی به آحاد جامعه از نظر وضعیت اقتصادی و معیشتی آنها با اجرای برنامه‌های درست، منطقی و با تبعیت از الزامات علم اقتصاد باشد.

راهکارهایی که برای مبارزه با تورم، فقر، رشد نقدینگی و فساد اقتصادی ارایه می‌شود باید از آنچنان ظرفیتی برخوردار باشد که بتواند در کوتاه‌مدت اثرات خود را هرچند ناچیز برجای بگذارد. اگرچه مشکلات عظیم اقتصادی کشور در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت قابل علاج نیست، اما استراتژی‌های دولت در جهت حل آن با برخورداری از نگاه بنیادین نسبت به تغییر اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد رقابتی می‌تواند سمت و سوی بهبود اقتصادی و معیشتی مردم را به نمایش بگذارد.

لازمه موفقیت دولت آینده به‌خصوص در بعد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برخورداری از نگاه جامع به افزایش سطح رفاه ملی و عدالت اجتماعی و اقتصادی است که آن نیز با تبعیت از راهکارهایی که فقط یک یا دو متغیر را بهبود بخشد، ممکن نخواهد بود.

رفاه اقتصادی و اجتماعی جامعه مخصوصا مباحث اشتغال، مسکن، درمان و بهداشت که مفاهیم اصول ۳۱-۲۸ قانون اساسی نیز بر آن تاکید داشته، همه در ارتباط با یکدیگر قرار دارند و انتظار جامعه از رییس دولت یازدهم به فعل درآوردن اندیشه‌های مکتوب در این اصول است.

نگاهی به روابط اقتصادی هند و عراق

چرخش «خورشید» به سمت بغداد

شرق، محمد آزاد: وزیر خارجه هند، سلمان خورشید، بازدیدی دوروزه از عراق دارد. به گزارش «تایمز» هندوستان، افزایش واردات نفت از عراق مهم‌ترین مساله‌ای است که در دستور کار ملاقات مقام‌های دو کشور قرار دارد. آقای خورشید اولین مقام بلندپایه هندی است که طی ۲۳سال گذشته، از عراق دیدار می‌کند. پیش از جنگ خلیج‌فارس، عراق یکی از بازارهای بزرگ هند بود. با وقوع جنگ سطح مناسبات اقتصادی دو کشور به‌شدت کاهش یافت. هند با تحریم عراق نیز مخالف بود و با اجرایی‌شدن برنامه «نفت در برابر غذای سازمان ملل» سطح مناسبات باز هم کمتر شد. اما از سال ۱۹۹۹ دو کشور روابط خود را ارتقا دادند؛ عراق در سال ۱۹۹۸، از انجام آزمایش‌های هسته‌ای هند که منجر به صدور قطعنامه ۱۱۷۲ شورای امنیت سازمان ملل شد، حمایت کرد. سال ۲۰۰۵ و در ماجرای رسوایی «برنامه نفت در برابر غذا»، روشن شد وزیر خارجه وقت هندوستان، «نتوار سینگ» در فروش نفت با رژیم بعث همکاری داشته و واسطه فروش غیرقانونی نفت عراق به شرکتی سوییسی به نام «منسفیلدای.جی» بوده است. پس از حمله آمریکا و سقوط صدام، سطح روابط دو کشور به شکل مستمر افزایش یافته است و دو کشور در زمینه‌های مختلف با یکدیگر همکاری می‌کنند. به‌عنوان نمونه، شرکت نفت هند (آی.او.سی)، برای مدیران صنعت نفت عراق خدمات آموزشی فراهم می‌کند. بر اساس آمار دولت هند، در دوره پس از صدام، تاکنون بیش از ۲۲۰ مدیر صنعت نفت عراق در هند آموزش دیده‌اند. هند به عراق خدمات درمانی نیز ارایه می‌دهد؛ به‌طور متوسط روزانه بیش از ۶۰ عراقی برای درمان به هند سفر می‌کنند. دانشگاه‌های هند هم در میان عراقی‌ها بی‌طرفدار نیست. بسیاری از خانواده‌های عراقی، نظر به هزینه پایین تحصیل و کیفیت مناسب آموزش‌عالی در هندوستان، فرزندان خود را به دانشگاه‌های شبه‌قاره می‌فرستند.

کارشناسان امور هند می‌گویند عراق، حداقل از چهاردهه پیش تا امروز، معتمدترین شریک هندوستان در منطقه بوده است. اکنون با به‌وجود آمدن شرایط جدید دوران پس از صدام و دیگر مسایل منطقه، هند بیش از پیش در پی جلب بازار، انرژی و سرمایه عراق است. اقتصاد رو به توسعه هند به انرژی امن نیاز دارد. برنامه هندوستان تثبیت رشد اقتصادی هشت‌درصد در سال است. عراق با ذخایر ثابت‌شده ۱۴۳ میلیارد بشکه‌ای، در میان بزرگ‌ترین کشورهای نفتی جهان است. عربستان و عراق و ایران بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت به عراق هستند. پس از وضع تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه ایران، هندوستان به‌طور مستمر واردات نفت خود از ایران را کاهش داده است. دولت ایالات متحده ماه گذشته اقدامات دولت هند برای رعایت تحریم‌ها علیه ایران را ستود و بار دیگر معافیت هند از تحریم کامل نفت ایران را تمدید کرد.

هند از زمان آغاز تحریم‌های ایران، واردات نفت خود از ایران را قریب ۵۰درصد کاهش داده است. در ماه جاری مقام‌های هندی اعلام کردند به‌دنبال جایگزینی واردات نفت ایران با عراق هستند. هم‌اکنون نیز هند پس از آمریکا بزرگ‌ترین مشتری نفت عراق است؛ در سال ۲۰۱۲، ۱۹درصد کل تولید نفت عراق به پالایشگاه‌های هند رفت. تا پیش از آن ایران دومین صادرکننده بزرگ نفت به هندوستان بود. اکنون عراق دومین صادرکننده بزرگ نفت به هند است. منابع دولتی هند می‌گویند یک مقام بلندپایه عراقی پیشنهاد کرده فروش نفت به هندوستان تا ۳۰درصد کل تولید بالا رود. «ریلاینس»، بزرگ‌ترین پالایشگاه خصوصی هند به‌همراه شش کمپانی دیگر هم‌اکنون در حال انجام طرح توسعه میدان عظیم نصیریه هستند.

غیر از واردات نفت، هندوستان در پی جلب سرمایه‌های کشورهای نفت‌خیز منطقه نیز هست. عراق با افزایش مستمر تولید نفت به‌زودی با سرریز دلارهای نفتی، قابلیت سرمایه‌گذاری وسیع خارج از مرزها را خواهد داشت. بازار کار عراق، دیگر جاذبه اقتصادی این کشور برای هندوستان است. پس از حمله آمریکا به عراق بسیاری از هندی‌ها به عراق مهاجرت کردند و بسیاری برای کار به پایگاه‌های نظامی آمریکا رفتند. پس از خروج نیروهای آمریکایی، بسیاری از کارگران به اقلیم کردستان رفتند، که شرایط کار و آب‌وهوای مساعدتری دارد. نمودار شمار مهاجران کاری هند به عراق همچنان صعودی است. مساله مشکلات ویزای کار یکی دیگر از مسایل دیدار آقای خورشید است.

هندوستان از نقش خود در بازسازی عراق پس از جنگ چندان راضی نیست و کارشناسان اقتصادی آن همواره خواهان افزایش نقش کشور در بازار گسترده بازسازی پس از جنگ هستند. برآوردها حاکی از آن است که بازار بازسازی پس از جنگ غیر از بخش نفت، هم‌اکنون بازاری است ۳۰۰میلیارددلاری. سطح مناسبات دو کشور در یک دهه نشان از آن دارد که هندوستان آرام و مستمر نقش خود در عراق را افزایش داده است. هند در تحریم عراق موضعی محتاطانه داشت؛ با حمله به عراق مخالفت لفظی کرد و از هفته دوم به آن پیوست. در فاز اول بازسازی عراق چندان مشارکتی نداشت اما کم‌کم سطح مناسبات را افزایش داد و حالا در پی تقویت و استحکام آن است.

سفر آقای خورشید، بلندپایه‌ترین مقام هندی که در ۲۳سال گذشته از عراق دیدار کرده است، می‌تواند نقطه آغاز تحول در روابط دو کشور باشد. فرصت‌های فراوان همکاری اقتصادی در زمینه‌های مختلف بهداشتی، آموزشی، انرژی، ساخت‌وساز و نیز نگاه به دیگر اتفاقات منطقه، اهمیت سفر وزیر خارجه هند به عراق را قابل فهم می‌کند. هندوستان هفته آینده میزبان گفت‌وگوهای راهبردی با ایالات متحده در سطح وزرای خارجه است.

سال	صادرات هند به عراق (میلیون‌دلار)	واردات هند از عراق (میلیون‌دلار)
۱۹۹۶-۹۷	۲/۱۷	۰/۰۴
۱۹۹۷-۹۸	۱۱/۱۹	۱۸۵/۴۱
۱۹۹۸-۹۹	۳۶/۲۹	۱۵۱/۱۷
۱۹۹۹-۲۰۰۰	۴۹/۳۸	۱۹۹/۷۲
۲۰۰۰-۱	۸۴/۰۲	۶/۸۹
۲۰۰۰-۲	۲۰۶/۷۹	۰/۰۴
۲۰۰۰-۳	۲۱۴/۸۸	۰/۰۳
۲۰۰۳-۴	۷۵/۱۷	۰/۱۴
۲۰۰۴-۵	۱۳۱/۱۹	۱/۱۲
۲۰۰۵-۶	۱۵۵/۹۴	۲/۰۵
۲۰۰۶-۷	۲۰۳/۳۱	۵۵۱۴/۴۱
۲۰۰۷-۸	۲۷۲/۱۰	۶۸۳۷/۸۰
۲۰۰۸-۹	۴۳۷/۴۳	۷۷۰۹/۹۴
۲۰۰۹-۱۰	۴۷۷/۱۳	۷۰۲۶/۹۳
۲۰۱۰-۱۱	۷۳۸/۶۵	۹۰۰۸/۳۰

فرار از پاسخگویی

یاسین آرام

همایش اولین سرمایه‌گذاری بنادر کشور- ۲۹مرداد- زمانی برگزار می‌شود که دولت جدید ۱۷روز از دوره خود را سپری کرده و احتمالا هیچ‌کدام از مدیران کنونی سازمان بنادر و دریانوردی -دست‌کم در جایگاهی- نیستند که پاسخ دهند که با مدیریت خود طی دو دولت نهم و دهم چگونه رفتار کردند که بخش خصوصی، هر سال کوچک‌تر و نحیف‌تر و شرکت‌های نیمه‌دولتی وابسته به آن سازمان، قارچ‌گونه در اغلب فرصت‌ها و واگذاری‌ها کمین کرده که امکان رقابت آزاد را به انحای مختلف، از این شرکت‌ها گرفته و جایگاه خود را به عنوان «سایه‌ای از دولت» تحکیم بخشند.

اعلام زمان اولین همایش ملی سرمایه‌گذاری بنادر کشور که در آبان سال ۹۱ کلید خورد، براساس پایگاه اطلاع‌رسانی دبیرخانه این همایش، ابتدا قرار بود در اوایل اسفند ۹۱ برگزار شود اما پس از مدتی به اواخر فروردین موکول شد و کمی بعد، به اواسط اردیبهشت حواله داده شد و در میانه اردیبهشت، ناگهان به ۲۹ مرداد ۹۲ موکول شد و قرار است در روزهای نخست دولت یازدهم- که احتمالا هیچ‌کدام از مدیران فعلی در آن جایگاهی ندارند- برگزار شود.

اما چرا چنین همایشی که طی دو سال اخیر، بارها و بارها در برگزاری آن تاکید شد با چنین تصمیمات شتاب‌زده‌ای مواجه می‌شود. چرا در سالی که «حماسه اقتصادی» نام گرفته سازمان بنادر و دریانوردی کمتر اشتیاقی برای روبه‌روشدن با مدیران بخش خصوصی از خود نشان می‌دهد؟ بهتر نبود این هم‌نشینی در روزهایی برگزار می‌شد که مدیران فعلی سازمان به واقعیت‌های موجود گوش فرا دهند؟ آیا این تاخیرها و تغییر در برگزاری همایش، بیشتر به این دلیل نیست که مدیران سازمان بنادر از بازگویی واقعیت‌ها و گلایه‌ها، دوری می‌جویند؟

زیرپوستی‌ترین پرسش این است که از خود بپرسیم در سال‌های اخیر چه مشوق‌هایی از سوی این سازمان برای سرمایه‌گذاری در بنادر تعیین شده که صاحبان سرمایه، سراسیمه خود را به آن بندر رسانده و آماده سرمایه‌گذاری شوند؟

چه‌نوع فرصت‌های بهینه‌ای برای سرمایه‌گذاری ایجادشده که صاحبان سرمایه به‌جای سرمایه‌گذاری زودبازده در بازار مسکن و ارز به سمت سرمایه‌گذاری استراتژیک اما دیربازده بنادر کشور جذب شوند؟ فرصت‌هایی که در طولانی‌مدت و با سرمایه‌گذاری بسیار سنگین و با دشواری‌های سخت‌افزاری و علی‌الخصوص با موانع دست‌وپاگیری که نهادهای دولتی در حین کار ایجاد می‌کنند چه رغبتی برای جذب این سرمایه‌ها وجود دارد که در این همایش، به هم‌اندیشی و خلق فرصت‌های جدید اهتمام کنند؛ جز آنکه تهدیدی باشد برای بسیاری از کارآفرینانی که سرمایه خود را صرف اموری می‌کنند که بازده واقعی آن پس از سال‌ها هنوز با کرام‌الکاتبین است.

این در حالی است که تاکنون چند نفر از صاحبان سرمایه که برای احداث یا توسعه برخی از بنادر شمالی کشور اهتمام جدی داشتند به سرنوشت امیدوارکننده‌ای دست نیافتند. بنادر چمخاله، فریدون‌کنار و خواجه نفس‌بخشی از این نمونه‌هاست که در سال‌های اخیر با پیچ‌وخم‌هایی مواجه شدند که برخی از آنان عطایش را به لقایش بخشیدند.

همایش اولین سرمایه‌گذاری بنادر ایران بیش از آنکه مأمنی باشد برای صاحبان سرمایه و کارآفرینی تا ناگفته‌های خود را در آن بازگویند، بیشتر گلوگاهی است برای مدیران دولت بعدی که به سرمایه‌گذاری در بخشی از نامطمئن‌ترین حوزه اقتصاد و جولانگاهی از سینوسی‌ترین عملکرد دولت نهم و دهم، تدبیر جدیدی را طراحی کنند. تدبیری که راهکار عملی بیابد که چگونه صاحبان سرمایه و کارآفرینان بندری، در فرصت‌های نابرابر و رقابت غیرمنصفانه به سرمایه‌گذاری سنگین مبادرت ورزند تا در آن سود بهینه‌ای را کسب کنند. فرصت‌هایی که شرکت‌های خلق‌الساعه نیمه‌دولتی آن سازمان، آزادانه در آن رشد کرده و هر روز فربه‌تر شده و با رانت‌های اطلاعاتی، راهی برای تقویت و حجیم‌ترنمودن خود می‌یابند اما صاحبان مستقل سرمایه با موانع و چالش‌های پیش‌رو، هر روز به فکر چاره‌ای برای فردای خودند.

در واقع این همایش به این دلیل به روزهای نخست سکان داری دولت یازدهم موکول شده که مدیران کنونی، دفاعی از عملکرد خود ندارند و از مواجهه با پیامدهای ناکارآمدی و سیاست‌های سرمایه‌گریز خود که منجر به تضعیف و تشدید تنگناهای بخش خصوصی شد، هراسناک‌اند.

دلیل رکود بازار طلا اعلام شد

باشگاه خبرنگاران: نوسان قیمت طلا ظرف چند روز گذشته منجر به رکود خریدوفروش این فلز گرانبها در بازار کشور شده است. احمد وفادار، رییس اتحادیه طلا و جواهرات تهران، با بیان مطلب بالا گفت: در حال حاضر بازار طلا به دلیل نوسان پی‌درپی قیمت دچار رکود شده و طلافروشی‌ها عمدتا، معاملات سنگین را انجام نمی‌دهند. وی اظهار کرد: رکود در بازار طلا تا اعلام برنامه‌های اقتصادی دولت آینده ادامه دارد. وی ادامه داد: کاهش قیمت طلا و سکه ظرف روزهای گذشته علت رکود در بازار خریدوفروش طلا نیست بلکه نوسان پی‌درپی نرخ‌ها در بازار طلا موجب رکود است.

خبر

تغییرات نرخ ارز تورم واقعی را مشخص می‌کند

● **تسنیم:** پایگاه اینترنتی هافینگتون‌پست با ادعای غیرواقعی‌بودن نرخ رسمی تورم در ایران نوشت که تغییرات در نرخ ارز شاخص قابل اعتمادی برای تعیین نرخ تورم هر کشور است که برپایه این شاخص به رقم ۱۰۵درصدی در ایران می‌رسیم. هافینگتون‌پست طی گزارشی ادعایی نوشت: با انتخاب حسن روحانی به‌عنوان رییس‌جمهور بعدی ایران، گزارش‌های بسیاری در رسانه‌های گروهی در این زمینه منتشر شد. اما در زمینه آمارهای اقتصادی همواره ایران به انتشار آمارهای مبهم و غیرشفاف اقتصادی شناخته‌شده است. حتی در مواردی آمارهای رسمی منتشره با واقعیت‌های موجود تفاوت فاحشی دارد. بارزترین مثال از تفاوت آمارهای رسمی با واقعیت‌های موجود، اعلام نرخ تورم است. در حالی که اکثر تحلیلگران، اقتصاد ایران را درگیر تورم شدید اعلام می‌کنند، در اکتبر ۲۰۱۲، بانک مرکزی و مرکز آمار این کشور تنها رقمی خفیف از افزایش نرخ تورم را منتشر کردند. با این حال، آنچه باعث شگفتی است، آن است که خبرگزاری‌های بین‌المللی بدون زیر سوال بردن جدی این اعداد و ارقام غیرواقعی، همچنان آنها را روی خروجی خود قرار می‌دهند. حتی امروز، آمارهای رسمی، نرخ تورم سالانه در ایران را بیش از ۳۱درصد اعلام می‌کنند، در حالی که منابع خبری مستقل اعتقاد دارند که این ارقام ساختگی و به‌دور از واقعیت است.

این گزارش افزود: حکومت‌های کشورهایی که از نرخ بالای تورم رنج می‌برند، ید طولایی در پنهان کردن آمارهای دقیق تورم دارند. در بسیاری از موارد، چنین جعل آماری در کشورهای زیمبابوه و کره‌شمالی رخ داده و در آنها حکومت نرخ تورم را پایین‌تر از میزان واقعی اعلام کرده تا مشکلات اقتصادی کشور را پنهان کند. اغلب این کشورها از انتشار کل آمارهای اقتصادی طفره می‌روند یا وقتی گزارشی از شاخص‌های اقتصادی منتشر می‌کنند، این آمارها با واقعیت‌های جامعه همخوانی ندارند. ایران نیز از این الگو تبعیت کرده و در انتشار اطلاعات مهم اقتصادی در موعد مقرر کوتاهی کرده است. حال چگونه می‌توان به این مشکل فایق آمد و به رقم واقعی تورم در این کشور پی برد؟ بر اساس این گزارش در قلب بحران اقتصادی ایران، نوسانات نرخ ارز قرار دارد. اگر آمارهای مربوط به بازار آزاد ارز را در اختیار داشته باشیم، نرخ تورم را می‌توان تخمین زد. اصل تعادل قدرت خرید که با تغییرات نرخ ارز و نوسانات قیمت‌ها مرتبط است، امکان می‌دهد که ارزیابی درستی در این‌باره صورت پذیرد. در حقیقت اصل تعادل قدرت خرید به‌سادگی نشان می‌دهد که نرخ مبادله ارز دو کشور معادل سطح نسبت قیمت‌ها در آن دو کشور است.